

# سبک‌سنایی در دیوان اشعار

دکتر غلامحسین خدایار

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

علی ملامحمدی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی

## چکیده

تعیین سبک شاعران و نویسندگان از مباحث شیرین پژوهش‌های ادبی محسوب می‌شود. هر چند مطالعات سبک‌شناسانه، در پژوهش‌های ادبی ایران، جایگاه شایسته خود را نیافته و در این زمینه کتاب‌های معدودی منتشر شده است.

در سبک برخی از شاعران نیز اختلاف نظر وجود دارد. یکی از این شاعران حکیم سنایی غزنوی است که برخی وی را شاعر سبک خراسانی دانسته‌اند و برخی از استادان نیز او را از شاعران سبک عراقی به‌شمار می‌آورند. بررسی ویژگی‌های این دو سبک و به‌ویژه موارد برجسته‌ای که تمایز دو سبک را بهتر نشان می‌دهد، مشخص می‌کند که ویژگی‌های سبک عراقی در شعر سنایی برجسته‌تر است. از جمله ویژگی‌هایی که وی را در گروه سبک عراقی قرار می‌دهد، عبارت‌اند از: فراوانی بسامد واژگان عربی، ابهام و دشواری زبان، غم و اندوه و شکایت از روزگار، زهدسنایی و وعظ و اندرز صوفیانه، کاربرد غزل و مثنوی‌های عارفانه، ردیف‌های طولانی و دشوار و...

**کلیدواژه‌ها:** سنایی، سبک خراسانی، سبک عراقی، ویژگی‌های شعری

سبک‌شناسی از دانش‌های بنیادین مطالعات ادبی است که آن را «شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین، به‌وسیله شخص معین، برای هدف معین» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۴) دانسته‌اند. این دانش به پژوهشگران در شناخت علمی تاریخ ادبیات، تقسیم‌بندی شاعران و نویسندگان، بررسی علل رشد و انحطاط در دوره‌های مختلف و تأثیر و تأثر آثار ادبی کمک شایانی می‌کند. شعر فارسی را معمولاً به چند سبک اصلی تقسیم می‌کنند: خراسانی، عراقی، هندی، بازگشت،

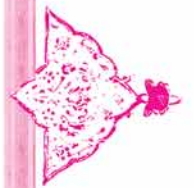
مشروطه، شعر آزاد و شعر انقلاب اسلامی. «تقسیم و طبقه‌بندی هزار و دویست سال شعر در چند مقوله محدود از قبیل خراسانی و عراقی و هندی و... از مسامحه به دور نیست... اما حقیقت این است که علی‌العجاله همین طبقه‌بندی روشن‌ترین و مفیدترین طبقه‌بندی است تا ان‌شاءالله در آینده پس از مرسوم شدن بحث‌های جدی‌تری در سبک‌شناسی، طبقه‌بندی دقیق‌تر و علمی‌تری پیشنهاد شود.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۳)

علاوه بر همه این مسائل، یکی از مشکلات در تعیین سبک شاعران مربوط به کسانی است که در دوران گذار زیسته‌اند. بدیهی است که نمی‌توان سال مشخصی را به‌عنوان یک سبک و آغاز سبک تازه برگزید و این دوران گذر دست‌کم حدود پنجاه سال را در برمی‌گیرد. یکی از شاعران بزرگی که در دوران گذار بین سبک خراسانی به عراقی می‌زیسته، حکیم سنایی غزنوی است.

ابوالمجد محدود ابن آدم معروف به حکیم سنایی غزنوی (حدود ۵۴۵-۵۶۰ ه.ق) از شاعران بزرگ قرن ششم هجری به‌شمار می‌رود. او در آغاز جوانی طبق سنت شعری روزگار به مدح حاکمان و فرمان‌روایان بزرگ و کوچک پرداخت ولی به سرعت به زهد و تصوف گرایش یافت، عزلت‌گزید و شعر و هنر خود را در خدمت اندیشه‌های بلند عرفانی و حکمی و پند و اندرز قرار داد. شعر او را می‌توان مجموعه‌ای غنی از مباحث عارفانه و عاشقانه و مسائل اجتماعی و سرشار از نکات ادبی، همراه با ترکیب‌های تازه، آیات، احادیث و واژگان عربی دانست.

آثار او از نظر قالب نیز متنوع است و قالب‌های گوناگونی چون مثنوی، غزل، قصیده، رباعی، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط و قطعه را در برمی‌گیرد. دیوان اشعار، کارنامه بلخ، سیرالعباد الی‌المعاد، حدیقه





الحقیقة و طریق التحقیق از آثار ماندگار و فاخر سنایی هستند که بر غنای ادب فارسی افزوده‌اند.

به قول دولت‌شاه: «از دنیا و مافیها معرض بود تا حدی که سلطان بهرام شاه غزنوی می‌خواست تا همشیره خود را به نکاح شیخ در آورد. او ابا نمود و عزیمت حج کرد و به خراسان آمد... و دست ارادت در دامن شیخ‌المشایخ، ابویوسف همدانی، قدس‌سره، زد و خلوت و عزلت اختیار کرد». دو، سه شعر هجوآمیز و گاه وقیح وی ظاهراً محصول دوره‌ای است که به خدمت سلاطین غزنوی راه یافته و با رجال حکومت آشنا شده بود و مانند فرخی سیستانی روزگار را به مداحی و عیاشی و ولنگاری می‌گذراند، تا اینکه در آستانه سفر حج و پس از آن، دگرگونی مهمی در حالش پدید آمد و زندگی‌اش در مسیر دیگری افتاد، مداحی شاهان و بزرگان را کنار نهاد و زهد و عبادت و حشر و نشر با مشایخ صوفیه را در پیش گرفت. به نوشته دولت‌شاه سمرقندی، گویند سبب توبه حکیم سنایی آن بود که «... نوبتی در غزنین مدحی جهت سلطان ابواسحاق ابراهیم غزنوی گفته بود و سلطان عزیمت هند داشت به تسخیر قلاع کفار هند (بخوانید چپاول ثروت آن کشور) و حکیم می‌خواست به تعجیل قصیده را بگذراند، قصد ملازمت سلطان کرد و در غزنین دیوانه‌ای بود که او را «لای‌خوار» گفتندی و از معنی خالی نبود (در واقع خود را به دیوانگی زده بود)، همواره در شراب‌خانه‌ها، شراب جمع کردی و گلخن‌ها تجرع نمودی. چون حکیم سنایی به گلخن در رسید و قصد گلخن کرد، شنود که «لای‌خوار» با ساقی خود می‌گوید: پر کن قدحی تا به کوری چشم ابراهیمک غزنوی بنوشم. ساقی گفت که این خطا گفتمی چرا که ابراهیم پادشاه عادل و خیر است مذمت او مگوی. دیوانه گفت: او مردکی ناخشنود و ناانصاف است. غزنین را هنوز چنان که شرط است ضبط نکرده، در چنین زمستانی سرد میل ولایتی دیگر دارد و چون آن ولایت را نیز مسلم خواهد ساخت، آرزوی ملک دیگر خواهد کرد و آن قدح را بستند و نوش کرد. باز

ساقی را گفت: پر کن قدحی دیگر تا بنوشم به کوری چشم سناییک شاعر! ساقی بار دیگر گفت: آخرای یار در باب سنایی طمع مکن که او مردی ظریف و خوش‌طبع و مقبول خواص و عوام است. گفت: غلط مکن که بس مردکی احمق است، لافی و گزافی چند فراهم آورده و شعر نام نهاده و از روی طمع هر روز پیش ابلهی ایستاده و خوش‌آمدی می‌گوید و این قدر نمی‌داند که او را برای شاعری و هرزه‌گویی نیافریده‌اند. اگر روز اکبر از او سؤال کنند که: سنایی! به حضرت ما چه آوردی، چه خواهد گفت؟ این چنین مرد را جز ابله و بوالفضول نتوان گفت. حکیم [سنایی] چون این سخن بشنود، از حال برفت و بر او این سخن کارگر آمد و دل از خدمت مخلوق بگردید و از دنیا سرد شد و دیوان مدح را در آب انداخت و طریقت انقطاع و زهد و عبادت را شعار خود ساخت.» (دیوان سنایی، ۱۳۷۵: ۱۲)

در کتاب ادبیات فارسی تخصصی سال چهارم علوم انسانی، سنایی را از شاعران سبک خراسانی دانسته‌اند (سنگری، ۱۳۹۱: ۵۷) و سیروس شمیسا وی را در بخش شاعران سبک عراقی بررسی کرده است. در این نوشتار تلاش می‌شود تا بازخوانی آثار سنایی مشخص گردد که ویژگی‌های کدام سبک در شعر سنایی برجسته‌تر و چشمگیرتر است.

۱. از ویژگی‌های مهم سبک‌ساز در هر دوره‌ای، مسئله زبان است. در حقیقت، با توجه به ویژگی‌های زبان و شناخت جزئیات آن می‌توان سبک شعر هر دوره را تشخیص داد. زبان سبک خراسانی با زبان سبک عراقی تفاوت‌هایی دارد که به دو مورد مهم آن اشاره می‌شود.

الف. در سبک خراسانی بسامد واژگان عربی نسبت به سبک عراقی بسیار کمتر است. در حقیقت، زبان فارسی در سبک خراسانی ناب‌تر و طبیعی‌تر بوده است. این موضوع از ویژگی‌های برجسته شاهنامه فردوسی به‌شمار می‌رود.

بررسی واژگان دیوان سنایی، فراوانی واژگان عربی را در آن نشان می‌دهد. ساده‌ترین نکته در این زمینه، توجه به

«نام» آثار حکیم سنایی است که نشان می‌دهد وی تا چه حد از زبان و ادبیات و اندیشه عربی تأثیر گرفته است: **سیر العباد الی المعاد، حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة و طریق التحقیق.**

نگاهی به این ابیات نیز فراوانی بسامد واژگان عربی را، که از ویژگی‌های مهم سبک عراقی است، ثابت می‌کند: ای سنایی گر همی جویی ز لطف حق سنا

عقل را قربان کن اندر بارگاه مصطفا  
هیچ مندیش از چنین عیاری ایرا بس بود  
عاقله عقل تو را ایمان و سنت خون‌بها  
طوق داران الهی از زبان ذوق و شوق  
عقل را در شرع او خوانند غمخوار و کیا  
رحمة للعالمین آمد طبیعت زو طلب  
چه از این عاصی و زان عاصی همی  
جویی شفا

(دیوان سنایی، در نعت پیامبر: ۵۳)

ب. «حرکت زبان به سوی دشواری و کاسته شدن از روشنی و سادگی و روانی زبان» شعری، از تفاوت‌های مهم سبک خراسانی و سبک عراقی است. شاعران سبک خراسانی، در آغاز کار شعر فارسی از زبان ساده و نحو سالم استفاده می‌کردند ولی هر چه شعر فارسی رو به تکامل حرکت نمود، زبان شعر نیز مبهم‌تر و پیچیده‌تر شد. نگاهی به شعر رودکی و حافظ، نشان‌دهنده تفاوت در سطح دشواری زبان و بیان است. ابیات زیر می‌تواند بیانگر «حرکت زبان به سوی دشواری» در شعر سنایی به‌عنوان پیش‌گام سبک عراقی باشد:

ای چو عقل از کل موجودات فرد  
و ای جوان از تو سپهر سال‌خورد  
خاک‌بوسان سر کوی تو اند  
روشنان کارگاه لا‌جورد

ساختم جلایی از جان جانت را  
وز دم خون سردی آن را کرده سرد  
تازه گردانم به ناجستن که باد  
تازه از جان بیخ و شاخ و برگ و ورد...

(همان، در صفت معشوق: ۹۳)

۲. مهم‌ترین عامل در تفاوت سبکی، «فکر و اندیشه مسلط» بر هر عصر است. تحولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، شیوه زندگی، اندیشه‌ها، آرمان‌ها

و طرز فکر هر دوره‌ای را از دوره‌های دیگر متمایز می‌سازد. از این رو دقت در فکر و اندیشه‌ها، در مطالعات سبک‌شناسی با توجه و اهمیت ویژه‌ای پیگیری می‌شود. سبک خراسانی و سبک عراقی تفاوت‌های مهم فکری دارند، از جمله:

الف. در دوره سبک خراسانی، تمدن ایرانی - اسلامی بسیار بالنده بود. گسترش اسلام در ایران و ادغام آن با فرهنگ و تمدن باشکوه ایران باستان، عصر طلایی برجسته‌ای ایجاد کرده بود. دانشمندان بزرگی چون خیام، ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و... در این عصر درخشان ظهور کردند. این دوره از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز از ادوار برجسته تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. این اوضاع در شعر آن عصر نیز به خوبی نمود یافته و «روح شادی و نشاط و خوش‌باشی» در شعر و ادبیات به خوبی نمایان است ولی در سبک عراقی - یعنی قرون ششم تا نهم - اوضاع کاملاً واژگونه است. رواج نوعی تعصب مذهبی جاهلانه، ضعف حکومت سلجوقیان، ترجیح عشق بر عقل، نفی حکمت یونانی و عقل مادی، از جمله عواملی بودند که از اواخر قرن پنجم و اواخر قرن ششم هجری قمری، تمدن باشکوه دوره عقل را رو به افول برد و اندک‌اندک باعث ضعف و انحطاط فرهنگ و تمدن گردید؛ این اوضاع پریشان و یورش ویرانگر تاتار (۶۱۷ ه. ق) «علم و فرهنگ و اقتصاد و رفاه و امنیت اجتماعی» را در عصر سنایی به جهان افسانه‌ها تبدیل کرد. پیداست که این وضع ناهنجار، فضای غم و اندوه و عزا را در روح و روان تمام جامعه از جمله شاعران و هنرمندان، ایجاد می‌کند؛ از این رو یکی از ویژگی‌های بارز شعر سبک عراقی، انعکاس همین غم و اندوه و پرهیز از نشاط و شادی است که جامعه نیز از آن‌ها محروم بوده است. نگاهی سطحی به دیوان حکیم سنایی و عناوین برخی اشعار او، فراوانی بسامد واژگانی چون اندوه، غم، شکایت از روزگار و بی‌وفایی مردم را نشان می‌دهد:

ای گم شده وفای تو این نیز بگذرد  
و افزون شده جفای تو این نیز بگذرد  
(همان: ۳۸۵)

\*\*\*

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا  
زین هر دو مانده نام چو سیمرغ و کیمیا  
شد راستی خیانت و شد زیرکی سفه  
شد دوستی عداوت و شد مردمی جفا  
(همان: ۵۶)

\*\*\*

ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد  
کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست  
(همان: ۶۰۸)

\*\*\*

مرد هشیار در این عهد کم است  
ور کسی هست به دین متهم است

### یکی از مشکلات در تعیین سبک شاعران مربوط به کسانی است که در دوران گذار زیسته‌اند. بدیهی است که نمی‌توان سال مشخصی را به‌عنوان پایان یک سبک و آغاز سبک تازه برگزید و این دوران گذار دست کم حدود پنجاه سال را در برمی‌گیرد

(همان: ۷۶)

تا آنجا که از شدت غم و اندوه روزگارش،  
آرزوی مرگ می‌کند:

کی باشد که این قفس بپردازم

در باغ الهی آشیان سازم

ب. «وفور زهدستانی و وعظ و اندرز در شعر» از تفاوت‌های مهم فکری سبک عراقی با سبک خراسانی محسوب می‌شود. این موضوع در شعر سنایی نیز به حدی چشمگیر است که وی را «آغازگر» ورود اندیشه‌های تصوف و عرفان در شعر به حساب می‌آورند. «فضای حاکم بر شعر سنایی، نسبت به شعر شاعران قرون چهارم و پنجم تیره‌تر شده است و در آن از آنچه به زندگی عادی و ارتباط‌های سالم اجتماعی مربوط است، چندان اثری یافت نمی‌شود... جبرگرایی، القای روحیه تسلیم و ترک اعتراض، نفس‌کشی، خلق‌گریزی، ترک مادیات و تعلقات دنیوی، ترک منصب و مقام، اکتفا به علم دین، دعوت

به سکوت و نفی خودپرستی و جز این‌ها، از جمله مواردی است که سنایی بدان‌ها توجه خاص نشان داده است.» (پارسانسب، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

دنیاگریزی، زهد، پرهیزگاری، اندرز و نکوهش حرص و طمع و دنیاپرستی و طعنه بر علمای دنیاجو، بخش مهمی از درون‌مایه‌های شعر سنایی را تشکیل می‌دهد:

طمع و حرص و بخل و شهوت و خشم  
حسد و کبر و حقد بد پیوند  
هفت در دوزخ‌اند در تن تو  
ساخته نفسشان در او در بند  
(دیوان سنایی: ۱۱۱)

\*\*\*

کسی که عزت عزلت نیافت هیچ نیافت  
کسی که ریو قناعت ندید هیچ ندید  
مدار امید ز دهر دورنگ، یک‌رنگی  
که خار جفت گل است و خمار جفت نبید  
(همان: ۱۲۴)

\*\*\*

ای گرفتار نیاز و آز و حرص و حقد و مال  
ز امتحان نفس حسی چند باشی در وبال  
(همان: ۱۹۷)

\*\*\*

بمیر ای حکیم از چنین زندگانی

از این زندگانی چو مردی بمانی

(همان: ۳۲۴)

\*\*\*

۳. ویژگی‌های فنی و ادبی در هر عصری می‌تواند ملاک خوبی برای تمایز میان سبک‌ها باشد. رواج قالب‌های خاص در هر دوره، تفاوت در موسیقی درونی و بیرونی اثر، کاهش یا افزایش یک آرایه و... از عوامل سبک‌شناسی در دوره‌های مختلف محسوب می‌شوند. سبک خراسانی و سبک عراقی در این زمینه نیز تفاوت دارند:

الف. در سبک عراقی قالب‌های غزل و مثنوی عارفانه، گسترش می‌یابد؛ حال آنکه در سبک خراسانی، قصیده و مثنوی حماسی، قالب مسلط بوده‌اند. در دیوان سنایی نیز حجم چشمگیری به غزل اختصاص یافته است و حدود ۴۳۵ غزل در آن دیده می‌شود.

دنباله مطلب در صفحه ۹۵ و ۹۶



## ادامه مطلب از صفحه ۳۷

و جلد دیگر آن با نام «فرهنگ جبهه» (اصطلاحات و تعبیرات/ ۱۳۷۴) که بسیاری از اصطلاحات و تکیه کلام‌های رزمندگان در فیلم‌های جنگی - که بعد از انتشار این کتاب ساخته شده‌اند - قطعاً تحت تأثیر این کتاب بوده‌اند و این نکته انکار ناشدنی است. (برای نمونه فیلم «خراجی‌ها» اثر مسعود ده‌نمکی، که بی‌تردید دیالوگ‌های آن از این اثر ارزشمند تأثیر پذیرفته و همین باعث اقبال و توفیق چشمگیر آن شده است.)

## نتیجه

زبان مخفی - که البته به اقرار مؤلفان کتاب‌های «فرهنگ لغات زبان مخفی» و «مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی» وام گرفته از زبان انگلیسی است - شاید همان اصطلاح «زبان خودمانی» باشد که محمد معین آن را این‌گونه تعریف کرده است: «واژه خودمانی، به معنی خصوصی بی‌تعارف و بی‌تکلف.» (معین، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۴۵۳) می‌توان گفت اصطلاح واژگان خودمانی «مجموعه‌ای از کلمات گفتاری و اصطلاحاتی است که قشر خودمانی از مردم (جوانان و...) برای بیان و انتقال معانی و پیام‌های خصوصی خود، بدون هیچ تعارف و تکلفی به کار می‌برد.» (اکرامی، ۱۳۸۵: ۲۸) در نهایت، زبان مخفی را می‌توان شاخه خصوصی تری از زبان عامیانه دانست که وسیله بیان احساسات و ادراکات ساده و مورد نیاز فردی و اجتماعی است و اصطلاح عوام در این محور، عموماً به کسانی اطلاق می‌شود که از لحاظ علم و اطلاع و احاطه بر فرهنگ و ادب و سخن‌دانی جزء خواص جامعه محسوب نمی‌شوند و به‌هنگام گفت و شنود کارکردهای مختلف زبان را مدنظر قرار می‌دهند. به تعبیر روشن‌تر، فراتر از نقش ارتباطی زبان، تداعی معانی ویژه، بار عاطفی و اخلاقی، بروز واکنش‌ها و تحریک احساسات، ایجاد صمیمیت و... از اهداف عمده زبان مخفی است و از آنجا که این زبان به‌واسطه جاذبه‌های آوایی و معنایی بیشتر در میان جوانان و اقشار خاصی از جامعه رواج دارد، نمی‌توان از کنار آن

گذشت. اگر به گونه‌ای علمی و ضابطه‌مند به تحلیل‌های اجتماعی و ساختاری زبان مخفی بپردازیم، قطعاً نوعی ناهنجاری دل‌آزار تلقی نخواهد شد و سرچشمه‌های دیگری از طبیعت عنصر ایرانی و بالندگی زبان مینوی فارسی را به همگان نشان خواهد داد.

## پی‌نوشت

1. neologism
2. Vocabulaire
3. Variant
4. Format
5. official or standard
6. sub- standard or informat
7. Bernstein
8. norm
9. Havranek
10. Fourgerounding
11. Standard language
12. Dialect
13. Regionalisms
14. Jargon
15. Colloquialism
16. Vulgarity
17. Flosch

## منابع

۱. اکرامی، محمود؛ مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی، نشر ایوار، چاپ سوم، مشهد، ۱۳۸۵.
۲. انزلی‌نژاد، رضا و منصور ثروت؛ فرهنگ معاصر، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۳. الکتانی، ابوالحسن؛ تنزیه الشریعها لمر فوعه، بیروت، ۱۴۰۱.
۴. پورجوادی، نصرالله؛ درباره زبان فارسی (برگزیده مقاله‌های نشر دانش)، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۵. جمال‌زاده، سیدمحمدعلی؛ فرهنگ لغات عامیانه (به کوشش محمدجعفر محبوب)، انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۸.
۶. .... یکی بود، یکی نبود (به کوشش علی دهیاشی)، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۷. حق شناس، علی‌محمد؛ زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، نشر آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۸. خرمشاهی، بهاءالدین؛ چشم‌ها را باید شست، انتشارات قطره، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۹. دابلیو، کانتزجان؛ ارتباط گفتاری میان مردم، مترجم: سید اکبر میرحسینی، قاسم کبیری، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۱۰. رحمتی، یوسف؛ فرهنگ عامیانه (با مقدمه استاد سعید نفیسی) تهران، ۱۳۲۹.
۱۱. روح‌الامینی، محمود؛ گرد شهر با چراغ، کتاب زمان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۲. سمائی، سیدمهدی؛ فرهنگ لغات مخفی، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۳. صفوی، گوروش؛ گفتارهایی درباره زبان فارسی، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۴. فهمی، سیدمهدی؛ فرهنگ جبهه (ج ۳ شوخ‌طبعی‌ها)، سازمان چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۱۵. مشیری، مهشیده؛ ده مقاله درباره زبان، فرهنگ، ترجمه، نشر البرز، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۶. .... فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان، چاپ اول، انتشارات آگاهان ایده، ۱۳۸۰.
۱۷. نائل خانلری، پرویز؛ زبان‌شناسی و زبان فارسی،

- انتشارات توس، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
۱۸. نجفی، ابوالحسن؛ فرهنگ فارسی عامیانه، نشر نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
  ۱۹. یوسفی، غلامحسین؛ چشمه روشن، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

## مقالات:

۱. صادقی، علی‌اشرف؛ «زبان معیار»، مجموعه مقالات «در قلمرو آموزش زبان و ادب فارسی»، دفتر نخست، ناشر مجمع علمی آموزش زبان فارسی - چاپ اول - ۱۳۷۶.
۲. عباسی، فتح‌الله؛ «فراز و فرود در شعر ایرج میرزا» مجموعه مقالات «طالع مسعود» (سپاس‌نامه استاد مسعود تاکی)، چاپ اول، ۱۳۸۶.

## منابع خارجی:

1. The Oxford companion the English language. Edited by Tom Mc Arthur (Oxford, New York Oxford University press, 1992)

## ادامه مطلب از صفحه ۵۹

سنایی همچنين سه مثنوی مهم عرفانی سروده است. مثنوی حدیقه الحقیقه او به‌عنوان یکی از الگوهای مهم مثنوی معنوی مولانا، اهمیت فراوانی در تاریخ ادبیات دارد.

ای درون پرور برون آرای

و ای خرد بخش بی‌خرد بخشای

خالق و رازق زمین و زمان

حافظ و ناصر مکی و مکان

ب. یکی از تفاوت‌های ادبی سبک خراسانی و سبک عراقی با دقت در ردیف اشعار، آشکار می‌شود. ردیف در سبک خراسانی، ساده، تک‌واژه‌ای و کوتاه بوده است ولی در سبک عراقی تلاش می‌شود تا از ردیف‌های طولانی‌تر، دشوارتر، ترکیب‌های اسمی و فعل مرکب برای هنرنمایی استفاده شود. از این نظرگاه، نیز اشعار سنایی به سبک عراقی نزدیکی بیشتری می‌یابد:

ای منزّه ذات تو «اما یقول الظالمون»

گفت علمت جمله را «ما لم تکونوا

تعلمون»

چون منزّه باشد از هر عیب ذات پاک تو

جای استغفارشان باشد «ما هم

یستغفرون»

امر امر توست یا رب با پیمبر در نبی

گفته ای «ان ابرمو امر افانا مبرمون»

(دیوان سنایی: ۲۷۳)

\*\*\*

## زهی چابک زهی چابک بنامیزد بنامیزد زهی خسرو زهی شیرین بنامیزد بنامیزد

(همان: ۳۸۷)

بتی که گر فکند یک نظر بر آتش و آب  
شود ز لطف جمالش مصور آتش و آب  
(همان: ۶۵)

\*\*\*

ای قوم مرا رنجه مدارید علی الله  
معشوق مرا پیش من آرید علی الله  
(همان: ۴۸۸)

\*\*\*

ای کوکب عالی درج وصلت حرام است  
و حرج

ای رکن طاعت همچو حج الصبر  
مفتاح الفرج

تا کی بود رازم نهفت غم خانه صبرم  
برفت

لقمان چنین در صبر گفت الصبر مفتاح  
الفرج

(همان: ۵۷۷)

\*\*\*

## نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره گردید، مقید دانستن شاعران دوران گذار به سبکی خاص دشوار به نظر می‌رسد ولی با توجه دقیق به ویژگی‌های دو سبک خراسانی و عراقی، بهتر است حکیم سنایی را از شاعران سبک عراقی بشناسیم. در حقیقت، بخش‌های عمده زبان، اندیشه و مباحث فنی و ادبی شعر سنایی با ویژگی‌های سبک عراقی انطباق بیشتری دارد. نمونه‌های مورد اشاره نیز گواه این مدعا است.

## منابع

- سنایی غزنوی؛ دیوان اشعار، به اهتمام پرویز بابایی، نشر نگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
- شمیسا، سیروس؛ سبک‌شناسی شعر، نشر فردوس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
- فوتوحی، محمود؛ سبک‌شناسی، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
- پارسانسب، محمد؛ جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
- سنگری، محمدرضا و دیگران، ادبیات فارسی (سال چهارم انسانی)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.

## ادامه مطلب از صفحه ۸۹

۲. ستایش شهید و شهادت، ایثار و جانبازی و مقاومت؛ ۳. خود اثمی. نظاره عظمت‌ها، صبوری مردم و خانواده‌های داغدار، شاعر را به سنجش خویش با این نموده‌ها و ارزش‌ها می‌کشاند؛ ۴. عرفان پویا؛ ۵. تخطئه و محکوم کردن بیداد و بی‌رحمی دشمن تجاوزگر. «(سنگری، ۱۳۸۹: ۹۵) حمید سبزواری در تمام مجموعه‌های خویش، خصوصا این مثنوی بلند، با تکیه بر واقعه عاشورا پیوندی میان این عنصر، صحنه کربلا و فضای جبهه‌ها و یاران امام خمینی برقرار می‌کند و با استعانت از آرایه‌های ادبی ابزار می‌دارد:

«آرزوی کربلا دارد دلم

یک جهان شور و نوا دارد دلم...

خار و خارا سد راه عشق نیست

پرنیان در زیر پا دارد دلم...

می‌روم همراه سرداران عشق

چشم یاری از خدا دارد دلم...

شو حسینی شو، حسینی را شناس

شهر یاران خمینی را شناس»

(سبزواری، ۱۳۷۶: ۳۵، ۳۶ و ۳۷)

آن‌ها وام گرفته است. استفاده از سبک خراسانی و به کارگیری اندکی از تلمیحات سبک عراقی در اشعارش مشهود است. ۴. به ندرت عدم رعایت وزن در بعضی از ابیات ایشان به چشم می‌خورد. تعبیرات و واژه‌های تکراری هم در این منظومه دارد. ۵. شاعر شرح فراق از شهدا و حسرت جا ماندن از کاروان مردان آسمانی را، که جزء ویژگی‌های شعر دوره سوم جنگ است، در این چکامه به خوبی نمایان ساخته است. ۶. استفاده از لحن حماسی برای بیان روایت زندگی شهید رضوی و به کارگیری صور خیال برای تحقق بخشیدن به اهداف شعر دفاع مقدس از خصوصیات این سروده است. ۷. نمود کامل عنصر فضا سازی در این شعر به مخاطب کمک می‌کند تا برای درک محتوای شعر آماده شود.

۸. به دلیل گرایش سبزواری به سادگی و صراحت بیان، ترکیبات شعری وی به دور از هرگونه تصنعی قابل دسترسی است. ترکیبات استعاری و تشخیص در آثار وی با حرکت و پویایی تصاویر، نمود ویژه‌ای می‌یابند.

## پی‌نوشت‌ها

- محمدتقی، منوچهر، ۱۳۳۴ با احساسات پاک دینی رشد می‌کند و در اوج انقلاب فعالانه وارد مبارزه علیه رژیم می‌شود. در خرداد ۱۳۵۸ به عضویت جهاد سازندگی درمی‌آید و به عمران روستاهای استان خراسان می‌پردازد. با شروع جنگ تحمیلی با عضویت در ستاد جنگ‌های نامنظم «شهید چمران» نقش مهمی ایفا می‌کند. وی با ارائه طرح‌های مهندسی تازه راه‌گشای رزمندگان می‌شود. رضوی به‌عنوان مسئول «ستاد کربلا» و «فرماندهی مهندسی جنگ جهاد سازندگی» و نیز «عاونت فرماندهی قرارگاه مهندسی» منصوب می‌شود و سرانجام پس از هشتاد ماه جهاد دلیرانه در عملیات «کربلای ۱۰» به شهادت می‌رسد. (کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه، ۱۳۷۶: ۴۴-۴۱)

## منابع

- سبزواری، حمید؛ یاد یاران، کنگره بزرگداشت سرداران سپاه و ۳۶ هزار شهید استان تهران، چ اول، تهران، ۱۳۷۶.
- سنگری، محمدرضا؛ ادبیات دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، چ اول، تهران، ۱۳۸۹.
- قاسمی، حسن؛ صور خیال در شعر مقاومت، فرهنگ گستر، چ اول، تهران، ۱۳۸۳.

## نتیجه‌گیری

۱. گزینش قالب مثنوی و سبک خراسانی در این شعر به خواننده کمک شایانی می‌کند تا منظور شاعر را به سادگی دریابد. ۲. سبزواری این شعر را زمینه‌ای برای بیان روایت تاریخی حوادث انقلاب و جنگ قرار داده است. ۳. او اساس کار خود را بهره‌مندی از آثار بزرگان شعر و ادب قرار می‌دهد و از این نظر بر خود می‌بالد که اعتبار شعرش را از